

نگاهی جدید به برنامه درسی بر اساس انسان‌شناسی اسلامی

مقدمه

برنامه درسی اکنون به عنوان مهمترین رشته های مطالعاتی تربیتی و آموزشی توجه جدی صاحب نظران علوم تربیتی را به خود جلب کرده است و با طرح وارائه دیدگاهها و نظریه های متفاوت در این باره نظام های آموزشی مورد نظر خود را طراحی کرده اند؛ که هر کدام مبتنی بر رویکردهای روان شناختی، جامعه شناختی و جهان بینی های خاص خود ارائه گردیده است.

متأسفانه در این میان کمتر به طرح وارائه نظریه ها و رویکردهای دینی و مذهبی در خصوص برنامه درسی بر می خوریم، که آن را ناشی از بی توجهی و کم کاری اندیشمندان دینی می دانیم و مدعی هستیم دین به عنوان راه و روش کامل زندگی برای تمامی ابعاد زندگی انسانی برنامه داشته و در هیچ زمینه ای فرو گذار نکرده است. به ویژه دین اسلام که آخرین و کامل ترین دین الهی است. به همین دلیل به دنبال آن هستیم که برنامه درسی اسلامی را مطرح و با استفاده از منابع اسلامی یعنی قرآن و روایات، آن را استخراج و ارائه نماییم. البته در این مقاله با توجه به محدودیت موجود، با رویکردی جدید بر اساس انسان‌شناسی اسلامی به برنامه درسی قصد داریم به این سؤال پاسخ دهیم که: مبانی نظری و انسان‌شناسی برنامه درسی اسلامی کدام است؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا رویکردهای متفاوت برنامه درسی را طرح نموده و پس از ارائه رویکرد اسلام در این باره با استفاده از منابع قرآن و روایات به اختصار مبانی نظری و انسان‌شناسی برنامه درسی در اسلام را ارائه می نماییم و تفضیل آن را به مجال دیگری وامی گذاریم.

* ویسی. غلامرضا MSC

** فتحی واجارگاه. کورش PhD

چکیده

برنامه درسی به عنوان مهمترین عامل رشد و پویایی جوامع بشری همواره با رویکردهای متفاوتی مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران علوم تربیتی بوده است. اکنون به دنبال این سؤال که دیدگاه اسلام درباره برنامه درسی چیست؟ و مبانی آن کدام است؟ پژوهشی هرچند مختصر با توجه به محدودیت های موجود انجام شده است که امیدواریم نقطه آغازینی باشد برای تدوین و ارائه برنامه درسی اسلامی که به واقع می توان گفت جای آن در مجتمع علمی و آکادمیک خالی است.

در این تحقیق با روش تحلیل محتوا و با استفاده از منابع اسلامی (قرآن و روایات) برآن شدیم با رویکرد جدیدی در برنامه درسی مطالبی پیرامون انسان‌شناسی اسلامی و برنامه درسی تهیه و ارائه نماییم. به همین دلیل در پاسخ به این سؤال پژوهش که: مبانی نظری و انسان‌شناسی برنامه درسی اسلامی چیست؟ پس از طرح رویکردهای مختلف برنامه درسی، مفاهیم اساسی تحقیق را مانند: اسلام، منابع معتبر اسلام (قرآن، حدیث و سنت) به طور مختصر تعریف کرده سپس نگاه اسلام را نسبت به انسان به عنوان مبانی نظری برنامه درسی مطرح کرده ایم. و در پایان ویژگی های انسان از دیدگاه قرآن نیز تحت عنوان ویژگیهای فطری و بعد ملکوتی و ویژگیهای اساسی طبیعی و بعد مادی او ارائه شده است.

کلید واژه ها: برنامه درسی، انسان‌شناسی، اسلام.

* دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی و عضویت علمی پژوهشکده

تحقیقات اسلامی قم آدرس نویسنده مستول: ۰۹۱۲۵۵۱۳۲۹۳

** دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

جهت‌ها و در اغلب مدارس بویژه در مدارس متوسطه و دانشگاهها، اولویت نخست با این دیدگاه است. در این مدارس دیسیپلینها یا موضوعهای درسی در شکل دادن به ساختار کل برنامه درسی نقش اساسی دارند. برخی افراد به موضوعهای سنتی و تسلط یافتن بر مهارت‌های پایه توجه نموده، بدین ترتیب جزء طرفداران دیدگاه موضوعی هستند. نهضت بازگشت به پایه‌ها در قالب این دیدگاه قرار می‌گیرد.

افراد دیگر به برخی دیسیپلینها^۶، (مانند علوم تربیتی، ریاضیات و زبان) توجه دارند و چنین استدلال می‌کنند که دیسیپلینها ساختارهای یگانه‌ای دارند که دستیابی به دانش جدید را ممکن می‌سازند. جروم برونز^۷ یکی از این نظریه پردازان است. اجرای پروژه‌های برنامه درسی نیز که به تولید برنامه‌هایی در زمینه‌های ریاضیات، فیزیک و زیست‌شناسی منجر گردید، به این دوره مربوط است.^(۲)

دیدگاه اجتماعی

این دیدگاه تأکید اولیه خود را بر تجربه اجتماعی قرار می‌دهد و گاهی اوقات بر انتقال فرهنگی^۸ تأکید می‌ورزد، به این صورت که به برنامه‌های درسی به منزله عامل جامعه پذیر کردن^۹ دانش آموzan نگریسته شده، از آنها انتظار می‌رود ارزشها و سنتهای جاری جامعه را در ایشان جای گیر سازد. اجرای این دیدگاه به صورت خالص آن را باید در جوامع استبدادی انتظار داشت که در آنها مدرسه عامل جامعه پذیر کردن شناخته می‌شود. در این جوامع وظیفه معلم تلقین فلسفه مورد قبول حکومت به دانش آموز و جای گیر ساختن ارزشها در اوست. این دیدگاه به رویکرد کارآمدی اجتماعی مشهور است.^(۳) در یک جامعه دمکراتیک، دیدگاه اجتماعی به گونه‌ای دیگر صورت‌بندی می‌شود.

دیدگاه رفتاری

این دیدگاه، با روش‌های خاص یادگیری که به رفتارهای مشخصی منجر می‌شود، سروکار دارد. بنابراین مهم ترین دل مشغولی معلم، شکل دادن به رفتار دانش آموزان است. محیط یادگیری به گونه‌ای سازماندهی شده است تا دانش آموز با محركهای مناسب رو به رو گردد. از این دیدگاه در برنامه‌های آموزش و پرورش کودکان استثنایی برای دانش آموزان عقب مانده ذهنی نیز استفاده شده است. در دیدگاه رفتاری، توصیف رفتار دانش آموزان در قالبهای مشخص و تهیه یک برنامه برخوردار از ساخت و بافت از پیش تعیین شده را ممکن می‌سازد. آموزش و پرورش قابلیت مدار ۱ نیز در چارچوب دیدگاه رفتاری قرار می‌گیرد.

بسیار از برگسته ترین ساختگویان دیدگاه رفتارگرایی است. هر چند برخی از آثار او بسیار جنجال برانگیز بوده، با انطباق دیدگاه رفتارگرایی با موقعیتهای گوناگون برنامه‌هایی برای خود کترلی^۲، آموزش رفسار جرأت آمیز^۳ و کاهش فشار روانی^۴ تهیه شده است. فن آوری آموزشی و همچنین استفاده از رایانه‌ها نیز، از آنجا که متضمن تأکید بر رویه‌های کارآمد آموزشی^۵ است، باید همسو با این دیدگاه ارزیابی شود.^(۱)

دیدگاه موضوعی / دیسیپلینی

دیدگاه موضوعی / دیسیپلینی بر موضوعهای درسی شیوه تکوین و سازماندهی آنها تأکید می‌کند. از بسیاری

- 1- competency-based education
- 2- Self - control
- 3- assertiveness training
- 4- Stress reduction
- 5- Efficient instructional process
- 6- Academic disciplines
- 7- Jerome bruner
- 8- Cultural transmission
- 9- Socializing agent

خاص انجام می‌پذیرد. در حقیقت حل مسئله^۶ یکی از مهم ترین مهارتهایی است که این دیدگاه بر آن تأکید دارد. یکی از هدفهای اساسی این دیدگاه، پرورش استقلال عقلانی^۷ است. هدف برنامه درسی فرایندی تقویت مهارت‌های انسانی است تا دانش آموزان بتوانند مسائل را برسی نمایند، راه حل‌های گوناگون را از نظر بگذرانند، آنها را ارزشیابی نمایند، یکی از راه حلها را برگزینند، سپس آن را به مورد اجرا گذارند و نتیجه را ارزشیابی کنند. دیوید آزوبل^۸ و کارل برایتر^۹ افرادی هستند که نام آنها با این دیدگاه درآمیخته است. برایتر نیز دست اندک کار طراحی برنامه‌ای در دهه ۱۹۶۰ بوده که هدف آن تقویت مهارت‌های مفهومی در دانش آموزان پیش از دبستان است. وی ادعا نموده است که مدارس باید کانون توجه خود را بر تقویت مهارت‌های شناختی قرار داده، از پرورش شخصیت و همچنین آموزش ارزش‌ها فاصله بگیرند. به اعتقاد او مدارس باید بر استدلال، تجزیه و تحلیل و پرورش مهارت‌های عقلانی متمرکز شوند.^(۵)

دیدگاه رشد گرا

دیدگاه رشد گرا حول این محور سازمان یافته است که کودکان مراحل مشخص و مجازی از رشد شخصیت^{۱۰} شناختی و اخلاقی را پشت سر می‌گذارند. کانون توجه این دیدگاه و هدف، محقق ساختن اندیشه تلفیق رشد در ابعاد مختلف (از قبیل شخصیتی، اخلاقی شناختی) و جلوگیری از پیشرفت یا توقف در جریان رشد است. یکی از مهم ترین مدافعان این دیدگاه لورنس کهلمبرگ^{۱۱} می‌باشد که به دلیل تلاش‌های خود در زمینه رشد اخلاقی مشهور بوده و مقاله‌ای که تحت عنوان «رشد به منزله یکی از آرمانهای آموزش و پرورش»^{۱۲} نوشته، به روشنتر

6 Problem solving

7 Intellectual autonomy

8 David ausubel

9 Carl bereiter

10 ego

11 lawerence kohlberg

12 development as an aim of eudcation

در این فرایند مدرسه مکانی در نظر گرفته می‌شود که در آن دانش آموزان به بررسی نقادانه موضوعها می‌پردازند. آموزش و پرورش شهروندی^۱ معمولاً در چهارچوب این دیدگاه قرار می‌گیرد؛ چرا که در این نوع آموزشها هدف، تقویت مهارت‌هایی است که دانش آموزان را قادر به مشارکت در فرایند دمکراسی می‌کند. بنابراین معلم تأکید و تمرکز خود را بر تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی، مهارت‌های فرایند گروهی و مهارت‌هایی قرار می‌دهد که برای شرکت در یک جامعه مردم سالارانه گزیننده‌یار می‌باشند. این رویکرد را نیز رویکرد بازسازی اجتماعی نامیده اند.^(۴)

در نهایت دیدگاه سومی نیز در چارچوب این دیدگاه وجود دارد که به تغییر اجتماعی^۲ موسوم بوده، بر این عقیده است که نظام آموزشی باید در رویارویی با مسائل مبتلا به اجتماعی نقش پیشناز را ایفا نماید. فرد نیومن^۳ رویکردی را طراحی و توصیه نموده است که طی آن دانش آموزان فعالانه با مقوله تغییر اجتماعی در جامعه محلی خود سرو کار پیدا می‌کنند. او این رویکرد را در کتاب خود تحت عنوان آموزش و پرورش برای اقدام شهروند^۴ تشریح کرده است.

دیدگاه فرایند شناختی

این دیدگاه ریشه در روانشناسی شناختی داشته، کانون اصلی توجه خود را رشد و تقویت مهارت‌های شناختی قرار می‌دهد. برنامه درسی فرایندی^۵ بر مشاهده، تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و همچنین سایر مهارت‌های ذهنی تأکید می‌ورزد. برخلاف مهارت‌هایی که در قالب دیدگاه دیسپلینی پرورش می‌یابد، این مهارت‌ها به طور لزوم در چهارچوب یک دیسپلین خاص پرورش نمی‌یابد، بلکه تقویت مهارت‌ها، معمولاً با محور قراردادن تکلیفها یا مسائل

1 Citizenship education

2 Social change

3 Fred newman

4 Education for citizen action

5 Process curriculum

انسانگرایانه اهمیت دارند و از نظر انسانگرایان تأکید بر فن آوری آموزش، کافی نیست. در عوض، تأکید اصلی بر کاوش و دستیابی به ارزش‌های فردی و اجتماعی است. جرالد واینستاین^۹ پنج معیار برای طراحی برنامه های انسانگرایانه پیشنهاد می نماید:

- ۱ نیاز افراد مهم ترین منبع اطلاعات برای تصمیم گیری است.
- ۲ آموزش و پرورش انسانگرایانه حق انتخاب یادگیرنده‌گان را افزایش می دهد.
- ۳ دانش شخصی^{۱۰} دست کم همان درجه اهمیت و اولویت دارد که دانش عمومی^{۱۱} از آن برخوردار است.
- ۴ رشد هیچ کس مانع رشد دیگری نمی شود.
- ۵ تمام عناصر برنامه باید به احساس اهمیت داشتن و ارزشمندی در کار افراد دیگر یاری رساند.(۷)

دیدگاه ماورای فردی یا کل گرایانه

آموزش و پرورش ماورای فردی از آن حیث که بر اهمیت شکوفایی فردی تأکید می ورزد، با دیدگاه انسانگرایانه شباهت دارد. با وجود این از جهات مهمی نیز با انسانگرایی متفاوت است. در حالی که دیدگاه انسانگرایانه بر نفس^{۱۲} یا خود تأکید می ورزد، آموزش و پرورش ماورای فردی کانون توجه خود را به مرتبه یا مرکز بالاتری از وجود^{۱۳} قرار می دهد که در آن فرد یگانگی یا ارتباط با سایر شکلها را تجربه می نماید.

بنابراین آموزش و پرورش ماورای فردی، دستیابی به مرحله خود متعالی^{۱۴} را به متزله غایت مطلوب و مرحله ای ورای خود کفایی مطرح می سازد که در آموزش و پرورش انسانگرایانه هدف انگاشته می شود. روش‌های تمرکز

شدن این دیدگاه کمک کرده است. کهبلرگ چنین ادعا می کند که دیدگاه رشدگرا، معرف نسلی از اندیشه هایی است که به طور مستقیم به دنبال افکار جان دیوی^۱ مطرح شده است. دو نظریه پرداز دیگر که این رویکرد با نام آنها عجین شده، عبارتند از اریک اریکسون^۲ و ژان پیاژه^۳. گرچه هیچ یک از این دو نظریه پرداز در قلمرو آموزش و پرورش شناخته نمی شوند، از آثارشان در این زمینه استفاده شده است. آثار پیاژه تأثیر ویژه ای در سطوح آغازین آموزش و پرورش داشته و اندیشه های اریکسون درباره نوجوانان، برنامه های مدارس سطوح متوسطه را تحت تأثیر قرار داده است. کهبلرگ در گیری مستقیم بیشتری با آموزش و پرورش داشته و از برنامه ریزی درسی برای تربیت اخلاقی پشتیبانی نموده است.(۶)

دیدگاه انسان گرایانه

دیدگاه انسانگرایانه به طور کلی تا حدودی تحت تأثیر روانشناسی انسانگرایانه و به طور خاص تحت تأثیر آراء و آثار کارل راجرز^۴ و آبراهام مازلو^۵ بوده است. هر دو نفر تبیین اهمیت شکوفایی فردی^۶ را در کانون توجه خود قرار داده اند. مازلو اصطلاح «خودشکوفایی»^۷ را رایج ساخته و راجرز اندیشه «انسان با کارکرد تمام و کمال»^۸ را مطرح نموده است.

خودشکوفایی هدف بسیاری از برنامه های انسانگرایانه است که در آنها توجه اصلی از آن جهت است که تجربه های یادگیری، باید موجبات یادگیری شناختی و عاطفی دانش آموزان را فراهم سازد، به زندگی کنونی کودکان معطوف است. بنابراین یادگیری مفهوم ها با رشد عاطفی تلفیق شده است. ارزشها و غایات در فضای باسترهای

1 john dewey

2 erik erikson

3 jean piaget

4 carl rogers

5 abe maslow

6 personal fulfillment

7 self-actualization

8 fully functioning person

9 Gerald Weinstein

10 Personal knowledge

11 Public knowledge

12 ego

13 higher self or center

14 self transcendence

از دیدگاه اسلام، انسان موجودی است دو ساحتی (جسمی و روحی) نیازمند به هدایت^۱ و دارای قدرت اندیشه و تعقل^۲، اگرچه اواز خاک و طبیعت برآمده است و آفرینش او در بستر حیوانی شکل می‌گیرد، اما وجودش از خلقی دیگر سرشته شده و این همان روح الهی است که اصالت داشته و او را از سایر موجودات متمایز می‌کند. بر این اساس رویکرد اسلام در برنامه درسی، رویکرد هدایت انسان به سوی زندگی سعادتمندانه دنیوی و اخروی است. چرا که اسلام انسان را موجودی دو بعدی یعنی مادی و معنوی می‌داند که اصالت نیز با بعد معنوی اوست^۳، آموزش او را در راستای رشد و کمال، هر دو بعد او برنامه ریزی می‌کند و سعی دارد او را به کمال نهایی یعنی جانشینی خدا^۴ و مقام قرب پروردگار نائل گردد. در این رویکرد جهان هستی، بستر و ابزار رشد و کمال انسانی است^۵. فرایند درسی و آموزش بسیار مقدس، ارزشمند و اجرای آن مأموریت و وظیفه اصلی همه پیامبران است^۶. شغل معلمی نیز بالاترین مشاغل شمرده می‌شود. محتوى، ابزار، روشها و ارزشیابی نیز متناسب با دو ساحتی بودن انسان است.

تفاوتها

در رویکرد برنامه درسی برمبنای انسان شناسی اسلامی آفرینش انسان محصول تصادف و تکامل آن گونه که طرفداران نظریه تکاملی می‌گویند نیست، بلکه انسان

^۲ اهدا الصراط المستقیم

^۳ والله اخر حكم من بطون امهاتكم لا تعلمون شيئاً و جعل لكم السمع والاصرار و الافندة لعلكم تشكرون

^۴ قال الرسول (ص): ان الله تبارك و تعالى خلق البهائم و ركب فيهم الشهوة و خلق الملائكة و ركب فيهم العقل و خلق الانسان و ركب فيهم العقل و الشهوة، فمن غلب شهوته على عقله فهو ادنى من البهائم و من غلب عقله على شهوته فهو (على من الملائكة).

^۵ اني جاعل في الأرض خليفة

^۶ سخر لكم ما في اسموات والارض

^۷ هو الذي بعث في الامين رسولاً منهم يتلوا عليهم آياته و يزكيهم و يعلمهم الكتاب والحكمة.

یابی گوناگونی از قبیل تجسم، غور در باطن و حرکت برای گام برداشتن در مسیر نیل به خود متعالی استفاده می‌شوند. در آموزش و پرورش ماورای فردی تأکید بر اهمیت تفکر شهودی است. ویژگی بارز شهود، در ک آنی و بدون واسطه امور است. در تفکر تحلیلی یک فرایند منطقی وجود دارد که هر یک از اجزاء آن به جای خود در ک می‌شوند. آموزش و پرورش ماورای فردی در جستجوی ایجاد تعادل و تلفیق میان تفکر شهودی و تفکر تحلیلی است. بنابراین برنامه های ماورای فردی بر پرورش قوه خلاقیت، اتخاذ رویکردهای تازه در حل مسائل و هنرها تأکید دارد. در نهایت آموزش و پرورش ماورای فردی بر اهمیت روحانیت^۱ یا حیات [ظرفیت] درونی فرد تأکید می‌کند. این هشیاری درونی مستلزم تصدیق اهمیت افکار، انگاره ها و تخیلات است. (۸)

دیدگاه اسلامی

اسلام دینی است که بر «تسلیم» بودن در برابر مشیت خداوند یگانه و قبول وحدانیت او استوار است. دین اسلام دین تسلیم در مقابل «الله»، یعنی آن واقعیت متعالی است که همه مراتب دیگر واقعیت از او نشأت می‌گیرد و همه چیز به او باز می‌گردد؛ زیرا الله مبدأ، خالق، حاکم، حافظ و غایت هستی است.

اسلام به برکت همین تسلیم، به صلح و سلام نیز دست می‌یابد. اسلام چیزی نیست جز زندگی کردن مطابق با خواست و مشیت پروردگار برای به دست آوردن رستگاری در دنیا و سعادت و رستگاری در آخرت. اسلام دین رانه تنها بخشی از زندگی، بلکه تمامی زندگی می‌داند. دین از دیدگاه اسلام نفس زندگی است؛ یعنی در لحظه لحظه آنچه انجام می‌دهیم، می‌اندیشیم و احساس می‌کنیم جریان دارد و البته پاسخ به این پرسش که «ما از کجا آمده ایم، به کجا خواهیم رفت و چگونه به سعادت نایل می‌شویم؟» نیز در ضمن آن است.

1 spirituality

دیدرس تاریخی ما نازل شده و آغاز و پایان آن به دقت آشکار است. آیات قرآن در طول ۲۳ سال بر پیامبر (ص) نازل می‌شده و اصحاب آن را به حافظه خویش می‌سپردند و با توجه به حافظه نیرومند اعراب آن روزگار، به عنوان قومی که دارای سنت شعری و ادبی بسیار غنی بودند، هر زمان لازم دیگر بار به خاطر می‌آوردن. این آیات گاهی بر استخوان‌های شتر و ورق‌های پاپیروس نوشته می‌شد. پس از رحلت پیامبر، از آنجا که شمار حفاظت قرآنی سبب جنگ‌ها و حوادث طبیعی کاهش یافت، مسلمانان احساس کردند، باید هر چه زودتر قرآن را کتابت و تدوین کنند؛ از این رو، قرآن به وسیله کتاب وحی، به ویژه علی بن ابی طالب (ع) و زیدبن ثابت، گردآوری شد و بنا به دستورهایی که پیامبر گرامی اسلام (ص) داده بود، در ۱۱۴ سوره، که اینک در دست ماست، تدوین گردید؛ سپس از مصحف نهایی چندین نسخه تهیه و به چهار گوشه جهان اسلام ارسال شد.

قرآن کتابی است که به تصریح خودش برای هدایت انسان‌ها به راه استوار (اسراء ۹) بیان کننده هر چیز [مورد نیاز برای هدایت و رحمت] (۱۰)، شفای دردها و مرهم زخم‌ها (۱۱)، کتاب حق و حقیقت (۱۲)، کتابی گرانسینگ و عظیم (۱۳)، با پیام آشکار و روشن (۱۴)، که برای فهم آن باید در آن تدبیر کرد (۱۵) و در نهایت کتابی است که فraigیری و یادآوری آموزه‌های آن آسان و در دسترس است (۱۶)؛ بنابراین، بدون تردید یکی از منابع ما در این پژوهش برای ترسیم نیم رخ جهت گیری مذهبی بر اساس اسلام، آیات قرآن کریم خواهد بود.

ب- حدیث و سنت: مسلمانان، پیامبر گرامی اسلام (ص) را کامل ترین انسان و اشرف مخلوقات خداوند می‌دانند. خداوند همه فضایل و کمالاتی را که مقام بشری قابلیت وصول بدان را دارد، به پیامبر اکرم (ص) ارزانی داشته و او را به این مقام ستوده است «و راستی که تو را خوبی والاست». (۱۷)؛ از این رو، مسلمانان او را نمونه تمام عیاری برای زندگی بشر می‌دانند که باید از آن پیروی

موجودی است که به مشیت و اراده اللهی خلق شده واز روح خداوند در او دمیده شده است. از سوی دیگر انسان موجودی نیازمند هدایت بسوی سعادت جاودانه است، زندگی و سعادت اونیز در این دنیا محدود نمی‌شود، مهمتر از همه اینکه خداوند به عنوان آفریننده هستی در تمام زنگی او حاکم است به همین دلیل برنامه درسی مبتنی بر این رویکرد متوجه زندگی دنیوی و اخروی انسان است . و ویژگیهایی دارد که در رویکردهای مذکور دیگر نمی‌توان آنها را یافت. مانند:

- جامعیت،
- خطاب ناپذیری،
- نگرش ساختاری کامل،
- توجه به مبداء و معاد،
- توجه به بعد مادی و معنوی انسان، یا دو ساحتی بودن او، و ...

منابع معتبر اسلامی: آموزه‌های اسلام از دو منبع معتبر

قرآن و سنت به دست می‌آید.

اولی مورد اجماع و اتفاق مسلمانان و دومی نزد اهل سنت به گفتار و رفتار پیامبر منحصر است و نزد شیعیان شامل همه چهارده معصوم (پیامبر (ص)، فاطمه زهراء (ع)، امیرالمؤمنین و یازده امام پس از ایشان) می‌شود.

الف- قرآن: قرآن مجید واقیت مرکزی و مقدس اسلام است. معانی، الفاظ، اصوات و حروفی که واژه‌های این کتاب با آنها نوشته شده و در نهایت کالبد آنکه این کلمات را در بر گرفته است، همگی در نظر مسلمانان مقدس می‌باشد. قرآن (مانند تورات و انجیل) صرفاً صورت باز نگاشته انسانی کلمه «الله» نیست، بلکه کلمه به کلمه این کتاب کلام خداوند است؛ همچنان که خداوند خودش فرموده: «ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیندیشید». (۹). برخلاف بسیاری از کتب مقدس که شیوه جمع آوری و تدوین آنها دقیقاً روشن نیست و احیاناً دستخوش تحریف گشته‌اند، قرآن کاملاً در

آلبرت کامو^۵ می‌گوید: من طغیان می‌کنم، پس وجود دارم، ژان پل سارتر^۶ می‌گوید: آدمی جز عمل چیزی نیست. بشر وجود ندارد. مگر، در حدی که طرح‌های خود را تحقیق بخشی. (۲۱)

آلکسیس کارل^۷ معتقد است: «انسان در عین حال پیکری است که کالبدشناسان آن را می‌شکافند و نفسی است که روان‌شناسان آن را و روحانیون آن را توصیف می‌کنند. اجتماع شگفت‌انگیزی از سلول‌ها و مایعات است که قوانین همبستگی آن را فیزیولوژیست‌ها مطالعه می‌کنند. موجودی است که هر یک از ما با درون‌نگری به آن برخورده می‌کنیم. بالاخره، او ترکیبی از اندام‌ها و نفس عاقله است که در بستر زمان کشانده می‌شود.» (۲۲)

فلسفه آن را حیوان ناطق، حیوان متفکر یا حیوان اجتماعی تعریف کرده‌اند.

مولوی حقیقت وجودی انسان را در «اندیشه» خلاصه کرده است:

ای برادر تو همه اندیشه‌ای

ما بقی خود استخوان و ریشه‌ای» (۲۳)

- و امیر المؤمنین(ع) آن را در بردارنده و عصارة خلقت و خلاصه‌ی جهان هستی معرفی کرده است:

«أتزعهم أنك جرمٌ صغيرٌ

و فيك انطوى العالمُ الْأَكْبَرُ» (۲۴)

بدین روی است که بزرگان جهان دانش و اندیشه، سیاست، حکمت و تعلیم و تربیت، اساس خود را شناخت این موجود پنهان و پیچیده قرار داده‌اند؛ (۲۵)

- سقراط حکیم نامی یونان، یک شعار اصلی داشت؛ «خودت را بشناس!» (۲۶)

- ماهاتما گاندی، می‌گوید: «در دنیا فقط یک حقیقت وجود دارد و آن شناسایی ذات (نفس) است. هر کس خود را شناخت، خدا و دیگران را شناخته است. هر کس

کرد. او انسان کامل است و قرآن مجید او را اسوه معرفی کرده است: «قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا سرمشقی نیکو است.» (۱۸). افزون بر زندگی پیامبر (سیره) که با تمام جزئیات در کتب سیره و تاریخ ضبط شده و مورد عنایت فراوان مسلمانان است، سخنان پیامبر نیز- حتی در غیر مواردی که به تصریح پیامبر وحی بوده است- مورد اقبال و توجه مسلمانان می‌باشد؛ زیرا به گفته خداوند در قرآن کریم: «او از سر هوس سخن نمی‌گوید...» (۱۹) و پیامبر اکرم در مقام تفسیر و تبیین قرآن قرار دارد: «و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند.» (۲۰). مسلمانان در طول تاریخ با اخلاص و عشق و علاقه از شخصی که برای بسط پیام خداوند برگزیده او در روی زمین و نخستین شارح و مفسر کلام او است، پیروی کرده و برای فهمیدن اقوال او تلاش کرده‌اند. عادات و افعال پیامبر گرامی اسلام(ص) به «سنّت» و اقوال او به «حدیث» موسوم است؛ بنابراین، سنّت و حدیث دومین مبنای و منبع اساسی اسلام پس از قرآن کریم است.

انسان‌شناسی

اکنون برای درک بهتر رویکرد برنامه درسی اسلامی، به یکی از پیش‌نیازهای اساسی آن یعنی انسان‌شناسی از دیدگاه اسلام می‌پردازیم.

معمای بزرگی که فکر و اندیشه‌ی بشر را همواره به خود مشغول داشته، و هر کس به گوشه‌ای از حقیقت وجودی او اشاره کرده است؛

لسلی وایت^۱ و کنت بروک^۲ انسان را حیوان به بکار برنده‌ی نماد می‌دانند،

بنیامین فرانکلین^۳ انسان را حیوان ابزار معرفی کرده، آندره ژید^۴ می‌گوید: من احساس می‌کنم، پس وجود دارم،

4 Ander Gide

5 Albert Camus

6 Jean Pauk Sarter

7 Alexic Carel

1 L.White

2 K.Bruke

3 Benjamin – Ferenc klin

زندگی کنونی انسان را نسبت به مبدأ، فلسفه خلقت و سرنوشت نهایی او تبیین می‌کند.

د) نگرش ساختاری کامل؛ انسان‌شناسی دینی، به لحاظ ساختاری و نوع نگرشی که به انسان دارد؛ با سایر انواع انسان‌شناسی رایج به کلی متفاوت و از آنها ممتاز است. انسان‌شناسی دینی به همه‌ی ساحت‌های وجودی انسان توجه دارد؛ گذشته، حال و آینده‌ی انسان، جسم و جان انسان، زندگی مادی و زندگی معنوی او و بالاخره ابعاد شخصیت او از جهت دانش‌ها، بینش‌ها و باورها و از جهت گرایش‌ها و ارزش‌گذاری‌های او و نهایتاً کنش‌ها و واکنش‌ها و توانش‌های او.

انسان در نگاه قرآن

انسان در نگاه قرآن دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- ترکیبی از جسم و جان،
- ۲- فطرت خدا آشنا،
- ۳- خلیفه‌اللهی،^(۳۱)
- ۴- ظرفیت بی نهایت،^(۳۲)
- ۵- آزادی و استقلال،^(۳۳)
- ۶- کرامت و شرافت ذاتی،^(۳۴)
- ۷- وجودان اخلاقی،^(۳۵)
- ۸- خواسته‌های بی نهایت،^(۳۶)
- ۹- پرستش خدا،^(۳۷)
- ۱۰- آرمان‌های عالی،^(۳۸)
- ۱۱- اختیار و اراده،^(۳۹)
- ۱۲- تکلیف و مسئولیت،
- ۱۳- خودآگاهی،

انسان موجودی خودآگاه است انواع و این خودآگاهی عبارتند از،

- الف- خودآگاهی فطري
- ب- خودآگاهی فلسفی
- ج- خودآگاهی جهانی
- د- خودآگاهی ملی

خود را نشناخت، هیچ چیز را نشناخته است. در دنیا فقط یک نیرو، یک آزادی و یک عدالت وجود دارد و آن نیروی حکومت بر خویشتن است. هر کس بر خود مسلط شده، بر دنیا مسلط شده است.^(۲۷)

- رسول گرامی اسلام(ص) نیز می‌فرماید: «من عرف نفسه فقد عرف رب»^(۲۸)

- و امام علی بن ابیطالب(ع) فرموده است: «الغور الاکبر مَنْ ظَفَرَ بِعِرْفَةِ النَّفْسِ»^(۲۹)؛ کسی که موفق به شناخت نفس خود شود، به رستگاری بزرگی رسیده است.

و صدر المتألهین(ره)، در رساله سه اصل خود، معظم‌ترین اسباب شقاوت و ناکامی عقباً را جهل به نفس دانسته که حقیقت آدمی است و هر که معرفت نفس ندارد، نفسش وجود ندارد. زیرا، وجود نفس عین نور و حضور و شعور است و به این دلیل است که هر کس معرفت نفس ندارند، خدای را نتوانند شناخت.^(۳۰)

ویژگی‌های انسان‌شناسی دینی

انسان‌شناسی دینی، ویژگی‌های اساسی چندی دارد که آن را برتر، معتبرتر و قابل اعتمادتر نسبت به انواع دیگر انسان‌شناسی رایج می‌سازد. از جمله‌ی این ویژگی‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

الف) جامعیت؛ انسان‌شناسی دینی هم احاطه‌ی کامل معرفتی نسبت به کنه وجود انسان و ابعاد مختلف وجود او دارد و هم انسان را از ابعاد جسمی و زیستی، تاریخی، فکری و فرهنگی، دنیایی و آخرتی، فعلی و آرمانی و مادی و معنوی معرفی می‌کند.

ب) خطاناپذیری؛ این خصوصیت، به دلیل اعتبار و خطاناپذیری منبع شناخت دینی است که ریشه در وحی الهی و سنت نبوی دارد، و آن را در زمرة‌ی اطمینان بخش‌ترین و معتبرترین معارف قرار می‌دهد.

ج) توجه به مبدأ و معاد؛ انسان‌شناسی دینی منشأ خلقت و فلسفه وجودی او را مورد توجه قرار می‌دهد و هم مقصد نهایی و سرنوشت محظوظ و آینده‌ی او را و نیز رابطه‌ی

نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه نمود این است که حیات نفسانی و روحانی انسان، مقدم بر جسم نیست بلکه با حیات جسمانی آغاز می‌شود و قبل از تعلق به بدن، دارای وجه مشخص و مستقلی نمی‌باشد. (۴۰)

نکته‌ی دیگر این است که ساحت ملکوتی و بعد روحی انسان نسبت به بعد جسمی دارای اصالت است. بر این حقیقت نیز آیات متعددی از قرآن کریم دلالت دارد.

طبیعت و سرشت مشترک انسانی

مراد از طبیعت و سرشت مشترک برای یک نوع حیوان، خصوصیات و ویژگی‌هایی است که رفتارها و خصلت‌های خاصی را اقتضا می‌کند و باعث می‌شود که به طور طبیعی و غیراکتسابی، این رفتارها و ویژگی‌ها در همه‌ی افراد آن نوع بروز کند و آن را با سایر انواع دیگر موجودات تمایز نماید.

در مورد انسان می‌توان گفت، علاوه بر وجود چنین صفات و ویژگی‌هایی که موجب تمایز میان نوع انسان و سایر انواع حیوانات می‌شود، یک نوع ویژگی‌های فراحیوانی هم وجود دارد که میان تمام افراد بشر به طور مشترک یافت می‌شود و هنگام پیدایش، انسان این صفات را با خود به همراه دارد. یکی از صریح‌ترین آیات قرآن در این موضوع، آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی روم است:

«پس یکتا پرستانه روی به سوی این دین کن، (دین هماهنگ با) سرشت الهی؛ همان سرشتی که (خداؤند) مردم را بر آن سرشته است؛ آفرینش خداوند را هیچ دگر گونی نیست. این است آیین استوار. اما، بیشتر مردمان نمی‌دانند.»

طبق نص صریح این آیه، انسان دارای سرشت و طبیعت مشترکی به نام «فطرت» است. اما باید دانست میان فطرت و غریزه تفاوت وجود دارد. غریزه به امور مادی و حیوانی

ه- خود آگاهی انسانی

و- خود آگاهی عرفانی

ز- خود آگاهی پیامبرانه

ساحت ملکی و ملکوتی

اکنون به بررسی بیشتر برخی از ویژگی‌های انسان از دیدگاه قرآن می‌پردازیم:

در نگاه قرآن کریم، انسان موجودی دو ساحتی است؛ یعنی هم ساحت ملکی (جسمی) دارد و هم ساحت ملکوتی (روحی - معنوی).

الف) ساحت ملکی یا بعد جسمی و مادی انسان؛ در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی طه، با صراحة اعلام می‌کند که: "شما را از آن (زمین) آفریدیم و بدان باز می‌گردانیم و دوباره از آن بیرونتان می‌آوریم."

و در آیات متعدد، از جمله (فاطر/۱۱) مراحل خلقت

طبیعی او را توضیح می‌دهد:

"و خداوند شما را از خاک و پس از آن از نطفه آفرید.

در معرفی قرآن، همه انسانها دارای ریشه‌ی مشترک و آفرینش واحد می‌باشند، از یک پدر و مادر - به عنوان انسان‌های نخستین و با خلقت ویژه - پدید آمداند و حاصل تکامل انواع دیگر موجودات و حیوانات نمی‌باشند.

ب) ساحت ملکوتی یا بعد روحی انسان؛ در نگاه قرآنی به انسان، او علاوه بر ساحت طبیعی و جسمی - همانند سایر حیوانات و جانداران - دارای گوهری غیرمادی نیز می‌باشد. از این گوهر غیرمادی گاهی به نفس و گاهی به روح تعبیر شده است. آیات متعددی از قرآن به این حقیقت اشاره دارد. از جمله در فراز پایانی آیه‌ی ۴ از سوره‌ی مؤمنون که مراحل خلقت طبیعی و مادی انسان را بیان می‌کند، مرحله‌ی پس از پوشیده شدن استخوان‌ها با گوشت را به عنوان آفرینش با خلقتی جدید نام می‌برد: «سپس او را با آفرینش دیگر پدید آوردیم.»

- آنچه در آسمان و زمین است (بالمكان) در تسخیر او و برای اوست؛ «أَلَمْ تَرَوْ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» (۵۱)

- انسان امانتدار الهی است؛ «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ ... وَ حَمَّأْهَا الْأَنْسَانَ...» (۵۲)

- آزاد و مختار است؛ «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كُفُورًا» (۵۳)

- در عین آزادی و اختیار، مسئول و مکلف است؛
«ثُمَّ لَتُسْتَلِّنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ التَّعْيِمِ» (۵۴)

- انسان کامل، مظهر اسم جامع و مرآت تجلی اسم اعظم خداوند است؛
«وَ عَلِمَ ادَمُ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (۵۵)

- برای دریافت کرامت اکتسابی (از طریق عبودیت خدا) قابلیت نامحدود دارد؛

«عَبْدِي اطْعَنَى حَتَّى أَجْعَلَكَ مُثْلِي» (حدیث قدسی)
- حامل روح الهی است؛ «وَنَفَخْ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (۵۶)

- تنها با ایمان و یاد خدا به آرامش واقعی می‌رسد؛ «الذِينَ امْنَوْا وَ تَطْمَئِنُ قلوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُ الْقُلُوبُ» (۵۷)

- قابلیت تسخیر آنچه در آسمان و زمین است را دارد؛ «وَ سَخِّرْ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...» (۵۸)

ب) برخی ویژگی‌های اساسی طبیعی و بعد مادی انسان:
- انسان موجودی ضعیف است؛ «خُلُقُ الْأَنْسَانِ ضَعِيفًا» (۵۹)

- انسان شتابنده و عجول است؛ «كَانَ الْأَنْسَانُ عَجُولًا» (۶۰)
- هم در پی کسب خوبی است و هم در پی بدی؛

«وَ بَدْعَ الْإِنْسَانِ بِالشَّرِّ دَعَاهُ بِالْخَيْرِ» (۶۱)

- در گشايش‌ها (و برخورداری‌ها) ناسپاس و حق‌ناشناس است،

«فَلَمَّا نَجَيْكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كَانَ الْأَنْسَانُ كُفُورًا» (۶۲)

مریبوط می‌شود ولی فطرت در مورد امور مشترک فرا انسانی به کار می‌رود. (۴۱)

بنابراین، در یک جمع‌بندی باید گفت: طبیعت و سرشت مشترک انسانی دوگونه است: بخشی جنبه‌ی حیوانی دارد و او را به سوی امور طبیعی و حیات حیوانی می‌خواند که به غریزه معروف‌اند و بخشی نیز جنبه‌ی فراحی‌خواهی دارد و او را به حیات معنوی و انسانی می‌خواند که فطرت نامیده می‌شود.

ویژگی‌های کلی انسان

الف) ویژگی‌های فطری و بعد ملکوتی انسان:

- از ساختار وجودی موزون و بهینه برخوردار است؛ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْأَنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (۴۲)

- دارای تعادل درونی است؛ «ثُمَّ سَوَاه وَ نَفَخْ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ» (۴۳)، «وَنَفْسٌ وَ مَا سَوَّيْهَا» (۴۴)

- دارای قوه‌ی تمیز و تشخیص است؛ «فَآلَهُمْهَا فِجُورَهَا وَ تَقْوِيهِهَا» (۴۵)

- دارای گرایش فطری به توحید و یکتاپرستی است؛ «فَطَرْهُمْ جَمِيعًا عَلَى التَّوْحِيدِ»

- گرایش فطری او به سوی ایمان و خیر اخلاقی است؛ «وَ لَكُنَّ اللَّهُ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْأَيْمَانَ» (۴۶)

- در سرشت و طبیعت خود از پلیدی‌ها و پلشته‌ها روی گردان است؛ «... وَ كَرَهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرُ وَ الْفُسُوقُ وَ الْعَصَيَانِ» (۴۷)

- از ظرفیت معرفت‌پذیری نامحدود برخوردار است، «عِلْمٌ ادَمُ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (۴۸)

- دارای کرامت ذاتی است؛ «وَ لَقَدْ كَرَمْنَا بْنَى آدَمَ» (۴۹)
- استعداد و شایستگی جانشینی خداوند را در زمین دارد؛

«أَنَّى جَاعَلَ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَهِ» (۵۰)

- نفس (حیوانی) او را به بدی و خصلت‌های حیوانی فرا می‌خواند؛

«إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبُّكَ» (۷۵)

بنابراین، مشاهده می‌شود که با توجه به دو بعد جسمی و روحی و دو ساحت ملکی و ملکوتی که انسان دارد، بالقوه دارای دو گروه از صفات و ویژگی‌های طبیعی و مشترک است. اینکه در نهایت، شخصیت و شاکله‌ی وجودی او چگونه شکل گیرد و ماهیت اصلی او چگونه تعیین شود، بستگی به این دارد که او در فرآیند حیات دنیوی خود، کدام دسته از این ویژگی‌ها را تربیت کند و پرورش دهد. اگر او گرایش‌های فطری خود را بارور و شکوفا سازد براستی رستگار خواهد شد؛ «قد افلح من زکیه» (۷۶)

«زکیه» از ریشه‌ی زکات است و زکات در لغت عبارت است از رشد گیاه؛ رشد مناسب به گونه‌ای که بسیار با برکت شود و ترکیه، یعنی چنین رشدی را ایجاد کردن. (۷۷)

اما چنانچه به جای بعد ملکوتی و معنوی نفس، جنبه‌های حیوانی و مادی را بارور و شکوفا سازد و گرایش‌های فطری خود را مستور و مهجور نماید. چنانکه در آیات متعددی هم به این حقیقت اشاره و تأکید شده بود، تحقیقاً بازنده‌ی گوهر حقیقت زندگی خواهد بود؛ «و قد خاب من دَسَيْهَا» (۷۸)

«دَسَيْهَا» از ریشه‌ی «دَسَّ» می‌باشد که در اصل «دَسَّ» بوده و «باء» آن به «سین» قلب شده و به معنای پنهان کردن است و چون مقابل «زکیه» واقع شده است، یعنی رشد دادن برخلاف طبع و اقتضای شیء. (۷۹)

- آزمند و خوددار - از بخشش و انفاق - است؛
قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَأْمَسْكْتُمْ خَشْيَةَ الْأَنْفَاقِ وَ كَانَ الْأَنْسَانُ فَتَوَرَأَ» (۶۳)

- نادان و ستمگر است؛ «... إِنَّهُ كَانَ ظَلَمًا جَهُولًا» (۶۴)

- مجادله‌گر و سیزه‌جو است؛ «وَ كَانَ الْأَنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْئِي جَدَلًا» (۶۵)

- در صورت احساس بسی‌نیازی (مطلق) سرکش و طغیان‌گر است؛

«كَلَّا إِنَّ الْأَنْسَانَ لِيَطْغِي أَنْ رَءَاهُ اسْتَغْنَى» (۶۶)

- در وفور نعمت و برخورداری، رویگردان و بسی توجه است؛

«وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْأَنْسَانِ إِعْرَضْ وَ نَنْهَا بِجَانِبِهِ» (۶۷)

- هنگامی که در تنگنا قرار گیرد و آسیبی بیند، نومید می‌شود؛

«وَ إِذَا مَسَّهُ الشُّرُّ كَانَ يَؤْسَأً» (۶۸)

- انسان موجودی ناسپاس است؛ «فُتِلَ الْأَنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ» (۶۹)

«إِنَّ الْأَنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» (۷۰)

- در دوست داشتن مال و دارایی بسی سرسرخ است؛
«وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (۷۱)

- در صورتی که بعد الهی او تربیت نشود، از پست‌ترین موجودات است؛

«ثُمَّ رَدَدَنَاهُ اسْفَلَ سَافَلِينَ» (۷۲)

- در صورتی که قوای ادراکی او از درک حقایق باز ماند، از چهارپایان هم گمراه‌تر است؛

«أَوْلَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَصْلُ» (۷۳)

- در صورت بکار نبستن قوه عاقله خود، بدترین جنبندگان روی زمین است؛

«إِنَّ شَرَّ أَدْوَابٍ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُ الْبَكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقُلُونَ» (۷۴)

جدول ویژگی‌های بعد حیوانی و معنوی (فراحیوانی) انسان (۸۰)

ردیف	ویژگی‌های بعد ملکوتی و روحی (فراحیوان)	ردیف	ویژگی‌های بعد ملکوتی و روحی (فراحیوانی) انسان
۱	ساختار وجودی موزون و بهینه	۱	ضعف خلقت
۲	تعادل درونی	۲	عجله و شتابزدگی
۳	قوهی تمیز و تشخیص	۳	هم در پی خوبی است هم در پی بدی
۴	گرایش فطری به توحید و یکتاپرستی	۴	ناسپاسی و حق ناشناسی
۵	گرایش فطری به ایمان و خیر اخلاقی	۵	آزمندی و خودداری از بخشش و انفاق
۶	کراحت فطری از کفر، پلیدی و پاشتی	۶	نادانی
۷	ظرفیت نامحدود معرفت‌پذیری	۷	سممگری
۸	کرامت ذاتی	۸	ستیزه جویی (مجادله گری)
۹	شاپیستگی جاشینی خداوند	۹	سرکشی و طغیانگری (در صورت بی‌نیازی)
۱۰	اشرف مخلوقات (آنچه در آسمان‌ها و زمین است در تسخیر اوست)	۱۰	رویگردنی و بی‌توجهی (در هنگام برخورداری)
۱۱	امانتداری الهی	۱۱	نومیدی و یاس (هنگام آسیب و تنگنا)
۱۲	آزادی و اختیار	۱۲	ناسپاسی
۱۳	معهده و مسئولیت‌پذیر	۱۳	سرسخنی در جمع آوری مال و ثروت
۱۴	مظہر تجلی اسم اعظم خداوند (انسان کامل)	۱۴	پست ترین موجود (در صورت بکار نداشتن تربیت الهی)
۱۵	قابلیت نامحدود برای دریافت کرامت اکتسابی	۱۵	گمراه ترین موجود (در صورت بکار نسبتن قوای ادراکی)
۱۶	حامل روح الهی	۱۶	بدترین جنبندگان زمینی (در صورت بکار نسبتن قوهی عاقله)
۱۷	ایمان و یاد خدا؛ تنها عامل آرامش واقعی اوست	۱۷	نفس (اماوه) او گرایش به بدی دارد
۱۸	قابلیت و استعداد تسخیر همه آنچه در آسمان و زمین است	۱۸	
۱۹	برخورداری از فطرت اخلاقی (و جدان اخلاقی)	۱۹	

شرایط زیست طبیعی برای همه انسان‌ها از بدو تولد تا زمان مرگ کاملاً یکسان و مشابه باشد؛ شرایط تربیت، شرایط محیط، عوامل پیچیده و متعدد اجتماعی، اولاً برای هر فرد به گونه‌ای ویژه - خاص اوست. ثانیاً هر یک از این عوامل به نوعه خود در شکل‌گیری شخصیت آدمی تأثیرگذارند و در نوع نگرش‌ها و توانش‌های او نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کنند.

با توجه به این واقعیت‌ها، پرسش بنیادینی که مطرح می‌شود این است که آیا این تفاوت‌ها نیز ذاتی انسان است؟ در این صورت سخن از طبیعت و سرشت مشترک و واحد انسانی بی‌معنی و غیرواقعی است. چنانکه برخی از مفسران در تفسیر آیه‌ی ۸۴ سوره‌ی إسراء که می‌فرمایند: «لَكُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ»؛ بگو هر کس بر اساس

تفاوتهای فردی

یکی از واقعیت‌های غیر قابل انکار درباره انسان این است که، انسان‌ها با خصوصیات و قابلیت‌های فردی یکسان و کاملاً مشابه به دنیا نمی‌آیند؛ توانمندی‌ها و قابلیت‌های بدنی، ویژگی‌ها و توانمندی‌های ذهنی و هوشی در هر یک از افراد بشر نسبت به دیگری متفاوت است. واقعیت دیگر هم این است که هر یک از افراد بشر، در فرآیند زندگی طبیعی و دنیوی خود به محرك‌های محیطی مختلف، پاسخ‌های ثابت و یکسان ارائه نمی‌دهند؛ در شرایط مختلف، از خود کش‌ها و واکنش‌های متفاوتی بروز می‌دهند.

واقعیت هم دیگر درباره زندگی انسان، تفاوت در شرایط زندگی هر فرد است؛ یعنی این گونه نیست که

اما در صورتی که غرائز را تحریک و تشدید کند و او را در تقاضای موهاب دنیا و تأمین بی حساب آنها (بیش از ضرورت و کفاف) آزاد بگذارد و یا ترغیب کند و بیش از حد به تأمین این نیازها پردازد و خود را در محدوده حیات حیوانی و زندگی دنیایی محدود کند، سرنوشتی جز دوزخ نخواهد داشت.

و اما آنکه (از فرمان حق) سریچی کند و تنها زندگانی دنیایی را برگزیند، پس براستی که دوزخ جایگاه او خواهد بود.

در بیرون از وجود آدمی نیز، عوامل متعددی وجود دارد که بر چگونگی شکل گیری شخصیت او تأثیر می گذارند؛ عوامل آموزشی و تربیتی، عوامل اجتماعی، عوامل محیط طبیعی و زیستی، عوامل فرهنگی و سیاسی و بطور کلی عواملی که روابط میان او با سایر انسانها و محیط زیست او در ابعاد مختلف تنظیم می کنند.

در نگرش قرآن به انسان، این عوامل ضمن آنکه بر انسان تأثیر می گذارند، از او هم تأثیر می پذیرند. به عبارت دیگر، میان خواستهای انسان و خواستهای انتظارات دیگران و محدودیت‌های محیطی نیز دائمًا تضاد و تعارض وجود دارد.

نکته اساسی که در اینجا باید یادآوری کرد این است که در حل این دو نوع تعارض، یعنی تعارض درونی که میان خواهش‌ها و گرایش‌های بعد حیوانی و بعد فراحیوانی انسان وجود دارد و تعارض بیرونی که میان او و خواسته‌های انتظارات سایر انسانها و محدودیت‌های محیطی پیش می آید، تعارض‌های درونی جنبه‌ی زیربنایی و تعارض‌های بیرونی انسان جنبه‌ی روبنایی دارد. به عبارت روشن‌تر، تا انسان تعارض‌های درونی خود را حل نکند و به تعادل و تسويه‌ی درونی نرسد، قادر به حل تعارض‌های بیرونی و حفظ تعادل بیرونی نخواهد شد؛ براستی که خداوند سرنوشت هیچ گروهی از انسانها را دگرگون نمی سازد مگر آنکه آنان در درون خود دگرگونی ایجاد کرده باشند.

شاکله‌ی وجودی (شخصیت) خود رفتار می کند، در نهایت به اختلاف ماهوی و ذاتی انسان رای داده‌اند. (۸۱) با توجه به ویژگی‌های اساسی انسان که در دو بعد حیوانی و فراحیوانی برای انسان - باستاند آیات قرآنی - بیان شد، نمی‌توان این گونه قضاوت‌ها را پذیرفت. زیرا در برخی از این ویژگی‌ها، به صراحت فطرت خداخواهی و خداجویی و یکتاپرستی انسان مورد تأکید قرار گرفته بود.

بنابراین، باید گفت، آنچه تعیین کننده‌ی اصلی شاکله و شخصیت انسان است، این است که در فرآیند زندگی دنیوی، کدام سری از عوامل دست در دست یکدیگر داده و کدام جنبه از ویژگی‌های حیوانی یا فراحیوانی انسان را در مسیر رشد و شکوفایی قرار داده است؟ آیا این عوامل مجموعاً موجب تزکیه نفس و رشد ویژگی‌های فراحیوانی او شده و بعد ملکوتی وی را شکوفا ساخته‌اند یا بر عکس، زمینه‌های تقویت و بالندگی ویژگی‌های حیوانی او را؟

در صورت نخست، «قد افلح من زکیه‌ها» و در صورت بعدی؛ «و قد خاب من دسیه‌ها» با مراجعه به آیات قرآن کریم، می‌توان دریافت که شاکله و شخصیت انسان تحت تأثیر و تعامل میان دو دسته عوامل شکل می گیرد. نخست عوامل درونی و دیگری عوامل بیرونی در درون او میان دو گروه از کشش‌ها و گرایش‌ها تضاد و تعارض وجود دارد: الف) عواملی که مربوط به ویژگی‌های بعد حیوانی انسان است. ب) عواملی که ریشه در ویژگی‌های بعد فراحیوانی او دارد. حفظ تعادل درونی به حل این تعارض بستگی دارد و حل این تعارض هم یعنی تعدیل غرائز و تأمين نیازهای بعد حیوانی در حد ضرورت و کفاف؛ بدون تحریک و تقویت و اشباع بیش از حد کفاف و ضرورت؛ به گونه‌ای که نفس حیوانی در اختیار و خدمت نفس فراحیوانی قرار گیرد:

«و اما آنکه از جایگاه پروردگار خویش بترسد و نفس خویش را از هوس باز دارد، پس براستی جایگاهش در بهشت خواهد بود. » (۸۲)

بی‌نوشت‌ها و منابع:

- ۱ - جی. پی میلر، ترجمه دکتر مهر محمدی، انتشارات سمت، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۹
- ۲ - همان
- ۳ - میشل استفان ژیرو، نظریه برنامه‌درسی، ترجمه فرهادابی زاده، فصل اول
- ۴ - همان
- ۵ - جی. پی میلر، ترجمه دکتر مهر محمدی، انتشارات سمت، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۹
- ۶ - قرآن، سوره یوسف، آیه ۲
- ۷ - قرآن، سوره نحل، ۸۹
- ۸ - قرآن، سوره اسراء، ۸۲
- ۹ - قرآن، سوره شورا، ۱۷
- ۱۰ - قرآن، سوره حجر، ۸۷
- ۱۱ - قرآن، سوره حجر، ۱
- ۱۲ - قرآن، سوره نساء، ۸۲ و سوره ص، ۲۹
- ۱۳ - قرآن، سوره قمر، ۱۷
- ۱۴ - قرآن، سوره احزاب، ۲۱
- ۱۵ - قرآن، سوره نجم، ۳
- ۱۶ - قرآن، سوره نحل، ۴۴
- ۱۷ - ادبی، حسین زمینه‌ی انسان‌شناسی. چاپ تهران، ۱۳۵۶، نشر نوح، ص ۲.
- ۱۸ - الکسیس کارل، ترجمه دبیری، پرویز. انسان موجود ناشناخته، تأیید اصفهان، ۱۳۳۹(ه. ش)، ص ۱۵۰.
- ۱۹ - جلال الدین محمد بلخی (مولوی)، مشنون معنوی، طبع نیکلسن، دفتر دوم.
- ۲۰ - بهاری، شهریار. انسان‌شناسی عملی، دیوان علی بن ایطالب، چاپ بغداد، ص ۲۳. (ص ۸).
- ۲۱ - واعظی، احمد. انسان از دیدگاه اسلام، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ص ۳ و ۴.
- ۲۲ - واعظی، احمد. انسان از دیدگاه اسلام، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ص ۳ و ۴.

بنابراین، حل تعارض درونی و رسیدن به تعادل درونی از اولویت، ضرورت و اهمیت نخست برخوردار است. به همین دلیل است که از حل این تعارض، در تغییر نبی مکرم اسلام (ص) به «جهاد اکبر» نامبرده شده و حل تعارض‌های بیرونی مانند مقابله با دشمنان نظامی و تأمین معیشت خانواده و نظایر آن که عنوان کلی «جهاد فی سیل الله» دارد، به «جهاد اصغر» تغییر شده است.

نتیجه:

- انسان‌شناسی بر مبنای نگاه قرآنی و دینی برنامه درسی خاص خود را اقتضا می‌کند و تمایزات ویژه‌ای نسبت به سایر مکاتب پیدا می‌کند. بر این اساس برنامه درسی اسلامی می‌باشد در جهت تحقق اهداف ذیل گام بردارد:
 - ایجاد فرآیند شکوفایی استعدادهای فطری و روند تقرب به خدا و رستگاری انسان؛
 - ظهور و بروز قدرت انتخاب، اراده و مسئولیت‌پذیری؛
 - ایجاد فرصت برای تفکر و خردورزی؛
 - حرکت به سوی سازندگی؛
 - آفرینش گری و خلاقیت؛
 - شکستن حصارهای محدود کننده مانند تنگناهای محیطی، اجتماعی، تاریخی و طبیعی برای رسید به آزادی معنوی؛
 - ایجاد توانایی ساختن زندگی متعالی در دنیا و چیدن ثمره‌های آن در آخرت؛
 - رشد منش‌ها و خصلت‌های متعالی و زیبایی‌های جاودانی؛
 - سیر رویی انسان و تجلی اوصاف الهی؛
 - تسلیم شدن در مقابل خداوند و ایفای نقش مسؤولانه در برابر او؛
 - پذیرش آگاهانه و انتخاب گرانه صراط مستقیم و ایمان و امتحان بدان و عمل صالح؛
 - نیل به ایمان و عملی که درخت تناور «حیات طیبه» را آبیاری خواهد کرد و به حیات جاودانه و سرشار از همه زیبایی‌ها خواهد انجامید.

- ۲۷- همان
- ۲۸- بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۲۳
- ۲۹- غرر الحكم و درر الكلم، عبدالواحد آمدی، ص ۱۷۲
- ۳۰- رساله‌ی سه اصل به انضمام منتخب مثنوی و رباعیات، ملاصدرا، انتشارات مولی، نشر مکرر، ۱۳۶۰-
- ۳۱- ابن جاعل فی الأرض خلیفه. بقره، آیه ۳۰
- ۳۲- قرآن، سوره بقره، ۳۱ تا ۳۳
- ۳۳- قرآن، سوره دھر، ۲۰
- ۳۴- قرآن، سوره اسراء، ۷۰
- ۳۵- قرآن، سوره شمس، ۹۶
- ۳۶- قرآن، سوره رعد، ۲۸ و انشقاق، ۶
- ۳۷- قرآن، سوره ذاریات، ۵۶ و حشر، ۱۹
- ۳۸- قرآن، سوره فجر، ۲۷ و ۲۸ و توبه، ۷۲
- ۳۹- قرآن، سوره انسان، ۳
- ۴۰- ر.ک: انسان از دیدگاه اسلام، احمد واعظی، ص ۲۲-۳۴
- ۴۱- ر.ک: فطرت، مرتضی مطهری، ص ۲۸
- ۴۲- قرآن، سوره تین - ۴/۹۵
- ۴۳- قرآن، سوره سجده - ۹/۳۲
- ۴۴- قرآن، سوره شمس آیه ۷
- ۴۵- قرآن، سوره شمس - آیه ۸
- ۴۶- قرآن، سوره حجرات - آیه ۷
- ۴۷- قرآن، سوره حجرات - ۱۲/۴۹
- ۴۸- قرآن، سوره بقره - ۳۱/۲
- ۴۹- قرآن، سوره اسراء - ۷۰/۱۷
- ۵۰- قرآن، سوره بقره ۳۰/۲
- ۵۱- قرآن، سوره لقمان - ۲۰/۳۱
- ۵۲- قرآن، سوره احزاب - ۷۲/۳۳
- ۵۳- قرآن، سوره فصلت - ۱۷/ -
- ۵۴- قرآن، سوره تکاثر - ۸/۱۰۲
- ۵۵- قرآن، سوره بقره - ۳۱/۲
- ۵۶- قرآن، سوره سجده - ۹/۳۲
- ۵۷- قرآن، سوره رعد - ۲۸/۱۳
- ۵۸- قرآن، سوره جاثیه - ۱۳/۴۵
- ۵۹- قرآن، سوره نساء - ۲۸/۴
- ۶۰- قرآن، سوره إسراء - ۱۱/۱۷
- ۶۱- قرآن، سوره إسراء - ۱۱/۱۷
- ۶۲- قرآن، سوره إسراء - ۶۷/۱۷
- ۶۳- قرآن، سوره اسراء - ۱۰۰/۱۷
- ۶۴- قرآن، سوره احزاب - ۷۲/۳۳
- ۶۵- قرآن، سوره کهف - ۵۴/۱۸
- ۶۶- قرآن، سوره علق - ۶/۹۶
- ۶۷- قرآن، سوره إسراء - ۸۳/۱۷
- ۶۸- قرآن، سوره اسراء - ۸۳/۱۷
- ۶۹- قرآن، سوره عبس - ۱۷/۸۰
- ۷۰- قرآن، سوره عادیات - ۶/۱۰۰
- ۷۱- قرآن، سوره عادیات - ۸/۱۰۰
- ۷۲- قرآن، سوره تین - ۴-۹۵
- ۷۳- قرآن، سوره اعراف - ۱۷۹/۷
- ۷۴- قرآن، سوره انفال - ۲۲/۶
- ۷۵- قرآن، سوره یوسف - ۵۳/۱۲
- ۷۶- قرآن، سوره شمس - ۹/۹۱
- ۷۷- ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۲۹
- ۷۸- قرآن، سوره شمس - ۱۰/۹۱
- ۷۹- ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۲۹
- ۸۰- محمد رضا احمدی، شاخصهای توسعه اسلامی، رساله دکتری، دانشگاه علوم استراتژیک، ۱۳۸۷
- ۸۱- فخرالدین رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۱، ص ۳۷، ذیل آیه‌ی ۸۴ سوره اسراء.
- ۸۲- قرآن، سوره نازعات - ۴۰/۷۹ و ۴۱